

{ ۵۶-۵۹ }

مباحثه طلبگی
در جلسه خواستگاری

{ ۶۰-۶۱ }

ازدواج یا تحصیل،
مسئله این است!

{ ۶۲-۶۴ }

همه چیز درباره
ازدواج طلبه‌ها

بعضی می‌گویند طلبه‌ها دو قسمند؟ یا متأهل یا موفق!
برخی دیگر معتقدند تا ازدواج نکنی صرف ساده را هم نمی‌فهمی تا چه
رسد به نکاح لمعه.

این که کدام دیدگاه درست است جوابش در این پرونده است.
اگر شما طلبه عزیز تصمیم به ازدواج گرفتید سؤالات خواستگاری را
هم برایتان آورده‌ایم. شیوه تعادل بین تحصیل و تشکیل خانواده را هم
در اینجا می‌یابیم. اگر هم متأهلید و خدای نکرده به اشتباهی پی بردید
تنها کاری که می‌توانیم بکنیم این است که پیشنهاد کنیم بخش معرفی
مرکز مشاوره را حتما بخوانید یا پای صحبت یکی از مشاوران موفق
ازدواج و خانواده، معاون تهذیب حوزه‌های علمیه جناب حجت‌الاسلام
والمسلمین دکتر حسین خانی بنشینید.



اصغر عرفان

محمد مهدی
عباسی آغوی

به حساب خدا

گفت: «برای خدا نقشه نکشید.» و سپس تأییدش کرد با حکایت یکی از بزرگان نجف که اسمش را بردو من نمی‌آورم. ایشان کاغذی برداشته و نقشه‌ای کشیده بود با اوصاف تمام، برای خانه‌ای که می‌خواست و خواسته بود از خدا، و خدا برای درس دادن به ایشان و منی که این قصه را می‌شنیدم و شمایی که می‌خوانی، خیلی زود، خانه و حاجتش را داده بود؛ درست به اسلوب همان نقشه. منتها آن عالم انسان اهل نسیان یادش رفته بود که در آن کاغذ کذایی، زیر زمین هم بکشد... و خانه بدون زیر زمین برای نجف آن روزگار و گرمای نفس‌گیری که چاره‌اش فقط پناه بردن به خنکای زیر زمین بود، یعنی به مفت نبر زیدن! یعنی زبان در بست!

این رخ دادها و حکمت‌هایی که در ضمیرش پنهان است، در حوالی و احوال ما فراوان می‌چرخد. دیدنش هم آن قدرها بصیرت نمی‌خواهد. نمونه دیگرش نقل دوستی است که بی‌واسطه از خودش می‌آورم. این آقا هم به تفصیل، سیاهی‌ای می‌نویسد در وصف نازنین عروس مقصودی که می‌خواست و می‌دهد دست والده مکرمه و همشیره‌های خیر خواه برای پی‌جویی. با غصه می‌گفت شش سال تمام هر چه گشتند و هر که را جستند و پیش چشمم آوردند، نخواستم؛ چون دست کم یکی از شرایط را نداشت. حضرت آقا هم سیده می‌خواست، هم همشیره، هم غیر شاغل، هم سفیدرو، و هم باقی قضایا. می‌گفت: گاهی کسی فقط یکی را نداشت، ولی من سماجت می‌کردم که از خدا چنان خواستم و نه چنین و لا غیر. می‌گفت: یک وقت بر دم، خسته شدم، رفتم پیش عزیز صاحب‌دلی، فرمود: «بسیارش به خدا، سخت‌نگیر و شرط‌های این چنینی نگذار.» می‌گفت گره باز شد. حالا محبوب خانه من، از ارقام آن سیاهه، فقط سیادت دارد به اضافه هزار حسن دیگر که جزو شرط‌های من نبود، اما واجب زندگی‌ام بود و من از آن غافل بودم. اینها را با افسوس می‌گفت، برای آن شش سالی که زمان باخته بود.

چند سال است که به اقتضای رشته‌ای که خوانده‌ام، جایی که مشغولم و مراوداتی که دارم، با جماعت خانواده‌پریش درگیرم. زن و مردهای زیادی را می‌بینم که برای رفع مشاجره به مشاوره می‌آیند، اما کارشان به سامان نمی‌رسد و می‌کشند به دادگاه. گاهی در کارشان ریز می‌شوم؛ هم حسابشان دقیق بوده هم نقشه‌شان حساب شده؛ حتی جاهایی زیادی حساب کرده‌اند. گیر کارشان هم همین بوده که خیلی روی این حساب‌ها، حساب باز کرده بودند. این روزها از «نتیجه‌گیری مستقیم» و «مستقیم‌گویی» منع می‌کنند و لابد نباید برای طلبه‌های عزیزی که قرار است به «هو معکم» و «هو حسب» باور داشته باشند، بگوئیم: برای انتخاب شریک زندگی، نقشه نکشید. سیاهه ننویسید. اهل حساب‌گری‌های معمول مردم نباشید. گاهی هم بسپاریدش به خدا؛ به حساب خدا.

از کدام پایه پای سفره عقد برویم

به جوان‌های غیر طلبه باید توصیه کنیم زود ازدواج کنید، دیر می‌شود... بنا بر آمار، میانگین سن ازدواج پسران از ۲۲ سالگی و دختران از ۱۸ سالگی در سال ۷۵ به ترتیب به ۲۶ و ۲۲ سالگی در سال ۸۰ رسیده است.

ولی به طلبه‌های جوان (البته آقایان!) باید بگوئیم لطفاً در ازدواج عجله نکنید، باور کنید دستور خدا روی زمین نمی‌ماند. این مسئله معروف شده که اهل علم زود متاهل می‌شوند. البته برخی هم از آن طرف دیر به ازدواج اقدام می‌کنند. پرسش مهم این است که آیا سقف مشخصی برای ازدواج طلبه‌های عزیز هست یا خیر؟ چه از نظر سنی و چه از نظر درسی؟ اصل تفاوت‌های فردی در روان‌شناسی می‌گوید که هیچ دو انسانی شبیه هم نیستند. همان‌گونه که اثر انگشت شش میلیارد انسان با هم متفاوت است؛ روان‌انسان‌ها و شخصیت آنها نیز با هم متفاوت است. حتی بین دو قلوهای همسان نیز دوهزار تفاوت کشف کرده‌اند. پس نمی‌توان یک نسخه ثابت برای تمام افراد پیچید که مثلاً همه در این سن یا در این پایه تحصیلی ازدواج کنید. اما بر اساس غالب افراد اصولی مطرح می‌شود که فرد خودش بتواند به موقع به ازدواج اقدام کند.

برای ازدواج رشد و بلوغ‌های متعددی لازم است:

بلوغ شرعی و رشد جنسی کف مسئله است. شرط لازم است ولی به هیچ وجه شرط کافی نیست.

بلوغ عقلی و رشد شناختی: این نوع از بلوغ، بدان معناست که درک عقلی فرد، به حدی برسد که بتواند خوب راز بد تشخیص دهد و درست تصمیم بگیرد.

بلوغ و رشد اجتماعی: یعنی فرد بتواند با دیگران روابط پخته و پایدار برقرار کند. موقعیت‌های اجتماعی را درک نموده و بر خورد متناسب با هر موقعیت را انجام دهد.

بلوغ و رشد عاطفی: یعنی فرد توان دوست داشتن و دوست داشته شدن را داشته باشد. از خودبینی بیرون آمده باشد و بتواند به دیگران و نیازهای آنان نیز بیندیشد.

بلوغ و رشد اقتصادی: این بلوغ برای آقایان بیشتر مطرح است، یعنی به حدی از استقلال مالی برسد که توان اداره یک خانواده را در حد متوسط داشته باشد. داشتن شغل مهم است، نه پس‌انداز فراوان.

برای طلبه‌های گرامی، بلوغ علمی نیز شرط است؛ یعنی به مرحله‌ای از مراتب علمی برسد، پایه‌های اول را با فراغت و استحکام بیشتر بخواند و با افزایش شهریه و توان تبلیغ به بلوغ اقتصادی نسبی نیز برسد.

بنابراین به سه دسته از طلبه‌ها این توصیه را داریم:

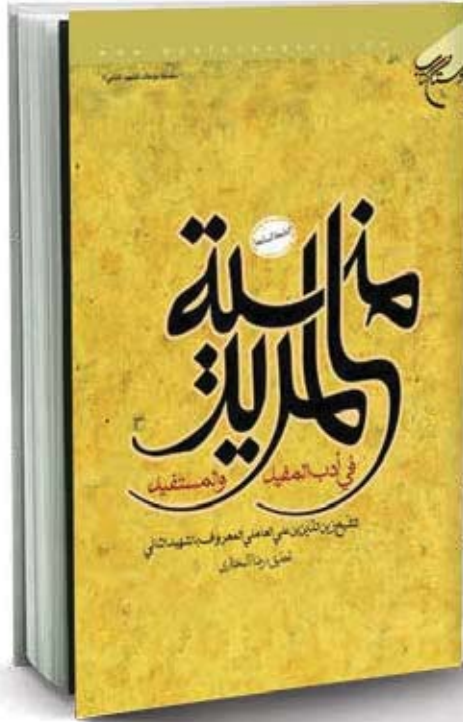
۱. عزیزانی که از سیکل وارد حوزه می‌شوند: حداقل پایه هفتم را بگیرند (تقریباً ۲۲ سالگی به بعد)، سپس اقدام کنند. نه آن‌که تا به باب نکاح لمعه نرسیدند، والدین محترم را تحت فشار بگذارند! حتی اگر سطح دو را بگیرند باز هم جای دوری نمی‌رود.

۲. طلبه‌هایی که از دیپلم وارد حوزه می‌شوند: پیشنهاد ما این است که این عزیزان از پایه چهارم، تبلیغ را در سطح کوچک آغاز کنند تا بتوانند تا اتمام پایه ششم، به حدی از برد اجتماعی و مالی برسند و تا پایان مقدمات (حدود ۲۴ سالگی) صبر کنند.

۳. طلبه‌هایی که با لیسانس وارد حوزه می‌شوند: این سروران معمولاً ۲۲ سال به بالا هستند و می‌توان گفت سه تا چهار سال فرصت فراغت برای درس دارند. اگر بتوانند پایه‌ها را به خاطر سن بیشتر و استعداد بهتر، سریع‌تر بخوانند (با تحصیل در تابستان) و مانند گروه پیش، تا پایان مقدمات صبر کنند، بهتر است؛ و گرنه باید با تبلیغ و کارهای تحقیقی و امور متناسب با طلبگی، توان اداره زندگی را پیدا کرده، با مدیریت مناسب، زندگی مشترک را یاد درس جمع کنند.

اما طلبه‌هایی که متأهل وارد حوزه می‌شوند باید بیشتر تلاش کنند تا هم نیازهای خانواده را رفع کنند، و هم در امر تحصیل به وظایف خود عمل کنند. در کل ازدواج زیر بیست سال و بالای بیست و پنج سال چندان توصیه نمی‌شود.

در پایان باز تأکید می‌شود که شرایط و افراد متفاوتند و نکات مطرح شده برای عموم، با نگاهی کلی است. مراجعه طلبه‌ها به مشاور مدرسه می‌تواند در این زمینه راهگشا باشد.



ابراهیم اخوی

ازدواج ورود به دنیای جدید

منزل های شکوفایی، همه سرشار سرور و هیجانند. وقتی نخستین بار نماز شب خواندید و هنگامی که به شما گفتند در حوزه پذیرفته شدید، این سرور را احساس کردید.

حرکت برای بهتر زیستن، جهتی رو به بالا دارد و این تعالی احساس رضایت را در ما افزایش می دهد. ازدواج نیز یکی از منازل تکامل است؛ فرصتی برای خروج از خودخواهی و تنهایی. زمینه ای برای در امان ماندن از وسوسه ها. دنیایی دارد ناشناخته و هیچ کتاب و نوشته ای نمی تواند آن را همان گونه که هست توصیف کند.

حلولی است تن ترانی که فقط با دارا شدنش آن را خواهی یافت. این منزل نوگامی مهم برای تازه شدن، شکفتن و شکوفاسازی خود و همسر است. گامی است برای شناختن ضعف ها و توانایی ها. درنگی است برای انجام کارهای بسیار خطیر. حرکتی است به سوی آسمان. لذتی دارد پایدار به درازای یک عمر.

عشق پاک، نردبانی می شود تا خدا. فقط چشم هایت را خوب باز کن و درست انتخاب کن و پس از آغاز زندگی، دیگر چشم هایت را به روی خیلی از مسائل ببند. بخوان، بپرس و بخواه تا به دست بیآوری! دشوارترین مرحله ازدواج، انتخاب است.

صرفاً جهت اطلاع

عباس خلیلی

مرحوم شهید ثانی در کتاب منیة المرید (انتشارات دفتر تبلیغات) به تحقیق رضا مختاری در میحث سوم مباحثی را طرح می کند که بخش نخست آن درباره

آداب خود متعلم است (آدابیه فی نفسه) که خود همین بخش دارای هشت جزء است:

جزء نخست: اینکه متعلم به هنگام تحصیل، حسن نیت داشته باشد؛

جزء دوم: متعلم اوقاتش را غنیمت بشمارد؛

جزء سوم: تا حد امکان، موانع تحصیل را از بین ببرد؛

جزء چهارم: (صفحه ۲۲۷ کتاب) که در مورد موضوع ماست، درباره تزویج طلبه و محصل می فرماید:

أن یترك التزویج حتی یقضی وطره من العلم، فانه اكر شاغل و اعظم مانع، بل هو المانع جملة، حتی قال بعضهم: ذبح العلم فی فروج النساء. و عن ابراهیم بن ادهم: من تعود افخاذ النساء لم یفلح. یعنی اشتغل بهن عن الكمال.

و هذا امر وجدانی مجرب و واضح، لا یحتاج الی الشواهد، کیف مع ما یرتب علیه علی تقدیر السلامة فیه من تشویش الفكر بهم الاولاد و الاسباب، و من المثل السایر «لو كلفت بصلة ما فهمت مسألة».

ولا یغتر الطالب بما ورد فی النکاح من الترغیب فان ذلک حیث لا یعارضه واجب اولی منه، ولا شئی اولی و لا افضل و لا واجب اضیق من العلم سیمای زماننا هذا، فانه و ان وجب علی الاعیان و الکفایه علی تفصیل، فقد وجب فی زماننا هذا علی الاعیان مطلقاً، لان فرض الکفایه اذا لم یقم به من فیه کفایه، یمیر کالواجب العینی فی مخاطبة الكل به، و تأییدهم بترکه، كما هو محقق فی الاصول. اینکسه ازدواج را تا هنگام فراغت از دانش ترک کند که بزرگ ترین مشغول کننده و سترگ ترین منع کننده است. بلکه همه آن مانع است؛ تاجایی که برخی گفته اند: دانش در شرمگاه زنان ذبح می شود. از ابراهیم بن ادهم است که کسی که به زنان عادت کند، رستگار نمی شود؛ یعنی با اشتغال به آنان از کمال خود می افتد.

این امری وجدانی و آزموده شده و روشن است که به شواهد نیازی ندارد. چطور چنین نباشد و حال آنکه بر فرض سلامت، فکر به هم و غم فرزندان و کارها مشوش می شود. مثلی رایج است که اگر به پیازی مکلف شوی، هیچ مسئله ای را نمی فهمی!

طلبه به آنچه در میل به ازدواج وارد شده، فریفته نشود، چرا که آن در جایی است که واجبی سزاوارتر با آن معارض نباشد و هیچ چیزی سزاوارتر، بافضیلت تر و واجب تر از علم نیست، به ویژه در زمان ما. دانش گرچه به تفصیل، به اعیان و کفایت واجب است، ولی در زمان ما به طور مطلق واجب عینی شده است؛ زیرا واجب کفایی در جایی که من به الکفایه نباشد، در خطاب به همه، مانند واجب عینی می شود و همه با ترک آن گناه کرده اند، چنان که در اصول تحقیق شده است.

معرفی کتاب



نبض از دواج را بگیرید

برای ازدواج موفق باید چه کرد؟ چگونه می‌توان موفقیت ازدواج را پیش‌بینی کرد؟ حرف پدر و مادر تا چه حد در ازدواج نقش دارد؟ از کجا بفهمم برای ازدواج آماده‌ام یا نه؟ اینها پرسش‌هایی است که می‌توانید پاسخ آنها را در این کتاب بیابید: آقای مهدی عباسی در نبض ازدواج را بگیرید، می‌گوید ازدواج به هیچ وجه هندوانه درسته نیست، خیلی هم قابل پیش‌بینی است. خانواده موجود زنده است، قلب دارد، نفس می‌کشد، نبض می‌زند. با گرفتن نبض خیلی چیزها فهمیده می‌شود.

با توجه به اینکه نویسنده کتاب، خود طلبه‌ای روان‌شناس، و از مشاوران و محققان موفق است، به طلبه‌های عزیزی که قصد ازدواج دارند، توصیه می‌شود که این کتاب را بخوانند. به پژوهشگرانی که یکی از زیرعنوان‌های ذیل را مدنظر دارند پیشنهاد می‌کنیم از این کتاب نود صفحه‌ای غافل نشوند:

فصل نخست: نگاهی متفاوت به ازدواج باید!

برای موفقیت از کجا باید آغاز کرد؟ همسران توانمند، ازدواج موفق؛

فصل دوم: درباره ازدواج بدانید!

فواید ازدواج؛ پیش‌بینی‌کننده‌های موفقیت در ازدواج؛ نقش والدین در انتخاب همسر؛ رابطه زن و مرد پیش از ازدواج؛

فصل سوم: برای ازدواجی به‌هنگام، آگاهانه و بیدار؛

چه کسانی برای ازدواج آماده نیستند؟ درباره تفاوت‌های خود با همسران بیشتر بدانید؛ کنش‌های زنان و مردان در ایفای نقش‌های زناشویی. این کتاب در مرکز مشاوره مؤسسه امام خمینی (ره) در سال ۱۳۸۹ چاپ شده، می‌توانید کتاب را از انتشارات مؤسسه امام (ره)، واقع در شهر قم، خیابان شهدا، کوچه ممتاز یا بلوار جمهوری اسلامی تهیه کنید.

گزارشی از مرکز مشاوره

محمد مهدی عباسی آغوی

کی؟ من؟ شوخی نکن! من خودم به همه عالم و آدم مشاوره می‌دم اون وقت به خاطر مسئله به این کوچیکی برم مشاوره؟ من خودم اهل درس و بحثم، نیازی به راهنمایی دیگران ندارم!

اینها برخی از افکار اشتباهی است که در ذهن برخی از ما رسوخ می‌کند. فردی که خود را از نظر دانش و مهارت بی‌نیاز بداند، راه را اشتباه خواهد رفت. بی‌شک در چند سر بیش از یک سر، راه حل وجود دارد. تنها عقل کل، معصومان ما هستند که آنها نیز اهل مشورت بودند. چه زیبا فرمود امیر بیان: «لَا غَنَى كَالْعَقْلِ، وَلَا فَقْرٌ كَالْجَهْلِ، وَلَا مِيرَاثٌ كَالْأَدَبِ وَلَا ظَهْيِيرٌ كَالْمَشَاوِرَةِ»؛ هیچ بی‌نیازی چون خرد، و هیچ ناداری مانند نادانی نیست، هیچ ارثی چون ادب و هیچ پشتیبانی مانند مشاوره نیست.»

الف) اداره کلینیک تخصصی (ب) اداره آموزش‌های کاربردی (ج) اداره پژوهش‌های کاربردی

در بخش نخست که کار اصلی مرکز مشاوره است، به سروران عزیز طلبه با عنایت ویژه خدمات‌دهی می‌شود. البته در این زمینه‌ها به سایر اقشار نیز مشاوره داده می‌شود: روان‌درمانی اختلالات روانی (به‌طور خاص: اضطراب، افسردگی، وسواس) زوج‌درمانی و خانواده‌درمانی روان‌درمانی کودک و نوجوان مشاوره ازدواج، یا همان PMC که در انتخاب آگاهانه بسیار مؤثر است. مشاوره تحصیلی (برای مدیریت بین درس و ازدواج می‌توانید از متخصصان تحصیلی این مرکز راهنمایی بگیرید.) مشاوره تربیتی روان‌سنجی گروه‌درمانی

اینجا اگر پند و اندرزی هم هست، مبتنی بر برترین نظریه‌های علمی است و ریشه‌یابی درست مشکل و هزار فوت و فن ریز و درشت مشاوره‌ای و خلاصه، رویکرد علمی و تخصصی به مشاوره و درمان. مراجعه‌کننده‌ای که این مرکز را برای مشاوره انتخاب کرده، یک دغدغه مهم دارد؛ اینکه حرف دین درباره مسئله یا مشکلش چیست؟ انتخاب او درست است، چون به کارگیری آموزه‌های دینی در فرایند مشاوره و روان‌درمانی، یکی از مهم‌ترین ارکان سیاستی مجموعه ماست. مرکز مشاوره امام خمینی (ره) قرار است در راستای نهادینه کردن فرهنگ استفاده از خدمات روان‌شناختی نیز گام بردارد؛ به زبان دیگر، افراد، فرهنگ مشاوره گرفتن را یاد بگیرند، کسی از آمدن به مرکز مشاوره خجالت نکشد و کسی هم به آدمی که از این مرکز بیرون می‌آید، با یک دید خاص نگاه نکند. این مرکز اداری سه بخش است:

جواهر الکلام

از دواج بهتر است یا خلوت برای عبادت؟
اقوال:

۱. قول قوی‌تر: از دواج
۲. خلوت برای عبادت
۳. تفصیل: بین کسی که عبادتش از اعمال است، از دواج از آن بهتر است؛ و کسی که عبادتش تحصیل علوم دینی است، این عبادت تحصیلی بهتر از از دواج است. مناقشه صاحب جواهر: نزاع در تفاضل طبیعت عبادت و نکاح است، بدون اعتبار خصوصیتی و فقط با نظر به جنس آنها و متبادر از عبادت نیز از جنس اعمال است (نه تحصیل علوم دینی). پس مخریفاً به طبع بودن برای تحصیل علم هرگز در نزاع داخل نمی‌شود (و گر نه بدون شک از از دواج بهتر است).

جواهر الکلام، ج ۲۹، ص ۲۶-۲۳.



«خانه خوبان»

اگر قرار باشد با خیال راحت یک نشریه خانوادگی را بخرید و با خانواده خود از مطالب آن استفاده کنید و لذت ببرید، پیشنهادی برایمان داریم. در این وانفسای نشریات زرد و نارنجی و قرمز! گاهی مجلاتی با اسم خانواده چاپ می‌شود که خدایبیش با نگاه به جلد آن هم تا پشت گوشت سرخ می‌شود، تا چه رسد به درونش! مطالبی سست، عکس‌هایی رنگی و تبلیغاتی، مصاحبه‌هایی با افرادی که فقط مشهورند و در حیطه مورد سؤال تخصصی ندارند... بماند.

نشریه «خانه خوبان» از همان ابتدای تولدش نظر خیلی‌ها را به خود جلب کرد. مطالب مفید و خواندنی آن در حوزه‌های گوناگون مورد نیاز خانواده و با کادری دلسوز از طلبه‌های روان‌شناس و متخصص، خیال آدم را جمع می‌کند. این ماهنامه به وسیله معاونت فرهنگی مؤسسه امام خمینی (ره) تهیه می‌شود و تاکنون حدود چهار شماره از آن، به چاپ رسیده است.

تلفن: ۲۱۱۳۱۲۲

شماره پیامک: ۳۰۰۱۳۴۱۳۴

ایمیل: khaneh.khooban@gmail.com

مؤسسه امام خمینی (ره)

واشغال؛ تاکنون شانزده عنوان به چاپ رسیده و حدود چهار عنوان دیگر در دست کار است.

تهیه و چاپ بروشورهای کاربردی در موضوعات جزئی و مبتلابه؛ تاکنون بیست عنوان به چاپ رسیده و حدود سی عنوان دیگر در دست آماده‌سازی است.

تهیه و چاپ فلش‌کارت در حوزه‌های فوق؛ تاکنون دو بسته، یکی برای کودک و نوجوان و دیگری با موضوعات متنوع آماده شده است.

برنامه‌نویسی و ارائه نرم‌افزارهای تخصصی؛ نرم‌افزار «دستیار» در خصوص اختلال‌های روانی تهیه شده و نرم‌افزار «از دواج» جهت آگاهی‌های پیش از ازدواج، در دست تهیه است.

نشریه تخصصی و روان‌شناختی «ما و ما»؛ تاکنون ده پیش‌شماره و پنج شماره به چاپ رسیده است.

کتابخانه تخصصی روان‌شناسی و علوم تربیتی با بیش از ۳ هزار عنوان کتاب، با قابلیت جستجو از سامانه «سیمرغ» در اینترنت.

برای آشنایی بیشتر با این مرکز پویا و کارگشا، حتماً سری به نشانی: قم، بلوار امین، خیابان گلستان، کوچه ۲، پلاک ۱ بزیند یا با این شماره‌ها تماس بگیرید: ۰۲۵۱-۲۱۱۳۶۵۲-۴

سالانه ۲۵۰۰ ساعت مشاوره حضوری، ۳۰۰ مشاوره تلفنی و ۱۵۰ مورد سنجش روانی (هوش، شخصیت و مسائل بالینی) در این مرکز انجام می‌شود.

در ضمن، سایت مرکز مشاوره امام خمینی (ره) نیز راه‌اندازی شده که می‌توانید از مقاله‌ها و مطالب مفید روان‌شناختی آن استفاده کنید و یا به صورت آنلاین از مشاوره اینترنتی بهره‌مند شوید. (www.moshavere.org)

اداره آموزش‌های کاربردی نیز به برگزاری جلسه‌ها و کارگاه‌های آموزشی می‌پردازد. برای مثال جلسه خانه خوبان در خصوص مسائل خانواده، با حضور کارشناسان زبده این فن برای عموم مردم برگزار می‌شود. اجرای کارگاه‌های روان‌شناختی برای متخصصان یا خانواده‌طلبه‌ها و دانش‌پژوهان و نیز آموزش‌های ضمن خدمت برای مشاوران، از دیگر کارهای این بخش است.

در پایان بخش پژوهش‌های کاربردی که در حکم پشتیبان علمی دو بخش دیگر است: این بخش دارای یک کارشناس-مسئول و یک شورای پژوهش، متشکل از کارشناسان حوزه‌های گوناگون روان‌شناختی است. محصول تلاش‌های این دوستان، از این قرار است:

تهیه و نشر کتاب‌های کاربردی در چهار حوزه کودک و نوجوان، خانواده و ازدواج، مهارت‌های زندگی و اخلاقی و تحصیل



مباحثه طلبگی در جلسه خواستگاری

با دستش چند ضربه به هندوانه زد. نگاهی به چشم‌های خیره من انداخت و گفت: «انگار صداشون با من حرف می‌زنه. می‌گه من شیرینم یا ...»
دستش را زیر پارچه زد، دو سسوی پارچه را با دو تا انگشتش روی هم کشید و گفت: «این جوری بهتر می‌فهمم که همون جنسی هست که دنبالش هستیم یا نه.»
در شیشه عطر را باز کرد. سرش را کمی نزدیک کرد، بو کشید و گفت: «خوبه! لطفاً همین رو بدین.»
نگاهی به چهره خودش در آینه انداخته، گفت: «تصویر رو خوب نشون می‌ده! همین رو می‌برم.» شناختن هر چیزی راهی دارد، هندوانه با ضربه، پارچه با لمس، عطر با بوییدن، آینه با نگاه و ... به نظر شما، شناختن

علی صادقی سرشت



همسر آینده چه راهی دارد؟

پرسش‌های خواستگاری، توجه داشته باشید که این پرسش‌ها برای روشن شدن سه نکته است، نخست اینکه آیا ملاک‌های واقعی ازدواج، مثل حسن خلق، خویش‌داری، همدلی و ... در طرف مقابل هست یا نه؛ دوم اینکه آیا بین شما و طرف مقابل، تناسب‌های

این نوشتار، از بین راه‌های گوناگون رسیدن به شناخت مناسب از همسر آینده، فقط به بررسی جلسه خواستگاری و پرسش‌هایی می‌پردازیم که لازم است در این جلسه مطرح شود.
پیش از بیان محورهای هشت‌گانه در

روشن است که هرچه موضوع مورد بررسی مهم‌تر و پیچیده‌تر باشد، راه‌های شناسایی آن نیز پیچیده‌تر و دشوارتر خواهد بود. برای ازدواج نه تنها باید شش دانگ حواس پنج‌گانه را بسیج کرد، بلکه باید از فکر، مشورت، تحقیق و صدا البته توسل نیز غافل نبود. ما در

- به نظر شما تأثیرات منفی دین‌داری در زندگی کدامند؟
- میزان پایبندی شما به آموزه‌های دینی همانند نماز، حجاب و ... چقدر است؟
- دین‌داری و فقر یا دین‌داری و ثروت و یا دین‌داری و هر چه خدا بخواهد، کدام انتخاب نخست شماست؟
- دین، کجا‌های زندگی به درد می‌خورد؟
- دین‌داری را چگونه می‌توان در زندگی تقویت کرد؟
- ...

■ محور سوم: از قلبتان بپرسید.

- شما چگونه همسری را ترجیح می‌دهید: ساکت و خجالتی یا پر حرف و اجتماعی؟ منطق‌گرا یا آسان‌گیر؟ جدی یا بذله‌گو؟ مستقل یا کسی که وظیفه‌تصمیم‌گیری را به شما واگذار بکند؟ عاطفی یا معمولی؟ ...
- روشن است که اگر ابعاد بیشتری از شخصیت همسر آینده، مورد علاقه شما باشد؛ نه تنها تفاهم بین شما بیشتر می‌شود، بلکه دیدگاه نزدیک تری نیز درباره‌ی مسایل زندگی خواهید داشت. توصیه می‌کنیم از قلبتان درباره‌ی همسر آینده بپرسید. حتماً روی قلم و کاغذ بنویسید «همسری را می‌پسندم که ...» پس از آنکه هر چه دل‌تنگتان خواست نوشتید، آن متن را نگه دارید و با پاسخ پرسش‌های زیر که در مراسم خواستگاری می‌پرسید، مقایسه کنید.
- در روز، چند ساعت را به بودن در جمع دیگران اختصاص می‌دهید؟
 - میانه‌ی شما با شوخی چیست؟ آخرین شوخی‌ای که کرده‌اید، چه بود؟
 - در جمع دوستان خود، معمولاً شما برای آنها تصمیم می‌گیرید یا آنها برای شما؟
 - نظر اطرافیان شما درباره‌ی این جمله چیست؟ «شما زود عصبانی می‌شوید.»
 - اگر از کسی ناراحت شوید، تا کی ناراحتی را در خود نگه می‌دارید؟ وقتی بخواهید بیان کنید، چگونه سخن می‌گویید؟
 - ...

■ محور چهارم: از فردایش بپرسید.

- انسان‌ها را می‌توان از روی آرزوهایشان شناخت. از فردی که برای زندگی آینده در نظر گرفته‌اید، بخواهید از آرزوهایش با شما سخن بگوید. بخواهید اهداف خود را از داشتن یک زندگی مشترک بازگو کند. همچنین از میزان پایبندی و اصرار او برای رسیدن به آرزوها و اهدافش آگاه شوید. پیش از رفتن به خواستگاری آرزوها و اهداف خود را از تشکیل زندگی مشترک بنویسید. پرسش‌های انتهایی این پاراگراف، نه تنها شناخت شما را از همسر آینده‌تان بالا می‌برد، بلکه این فرصت را به شما خواهد داد که آرزوها و اهداف خود را با

زندگی، میزان تحصیل، دلیل طلبه شدن، ... پرسش‌هایی که با پرسیدن آن می‌خواستید به شناخت مناسبی از همراه زندگی یکی دو ساله خود برسید.

شاید این جمله را شنیده باشید که «اگر می‌خواهی کسی را بشناسی، نخست گذشته اش را بشناس!» گذشته هر فرد نقش مهمی در شکل‌گیری نگرش، احساس و رفتار او در زندگی حال و آینده وی دارد. آینده تا حدود زیادی تکرار گذشته است، بنابراین پرسش از گذشته افراد، می‌تواند در پیش‌بینی شخصیت، موضع‌گیری‌ها و رفتارهای او در آینده به شما کمک کند. با پرسیدن سؤال‌هایی مانند پرسش‌های زیر، می‌توانید یک گام به عقب بردارید تا از گذشته‌های شریک احتمالی در یک عمر زندگی، بیشتر بدانید.

- دوست دارید من چه چیزهایی از گذشته زندگی شما بدانم؟
- با شنیدن این کلمه، نخستین اتفاقی که از گذشته به یاد شما می‌آید چیست؟ «خاطره‌ای شیرین»
- «تلخ‌ترین خاطره» شما را به یاد چه می‌اندازد؟
- افسوس شما از گذشته زندگی‌تان چیست؟ ناپسندترین کاری که در گذشته از شخصی دیده‌اید، چه بوده است؟
- کدام ویژگی‌های از زندگی پدر و مادرتان را برجسته می‌دانید؟
- شیوه‌های برخورد پدر و مادر شما با مشکلات چگونه بوده است؟ آیا شما این روش‌ها را می‌پسندید.
- ...

■ محور دوم: از باور ش بپرسید.

هر چه اشتراک زوج‌ها در باورهای ارزشی و مذهبی بیشتر باشد، میزان همراهی و همدلی آنها در زندگی آینده، بیشتر خواهد بود؛ زوج‌هایی که روحیه‌ها و افکار مذهبی نزدیک به هم دارند، دارای دیدگاه‌های مشترکی در اداره زندگی، فرزندپروری، اولویت‌های زندگی و ... خواهند بود و در نتیجه در برخورد با مسائل گوناگون زندگی، دیدگاه‌های مشترک و یا نزدیک به هم خواهند داشت. با توجه به این محور، یعنی شما یک گام به جلو برمی‌دارید تا بفهمید کسی که قرار است در سختی‌های فراروی زندگی طلبگی؛ از جمله سختی‌های مالی، تبلیغی، اجتماعی و ... کنار شما قرار بگیرد، آیا از صلاحیت کافی برخوردار است یا نه. در این محور، پرسش‌هایی طرح می‌شود که سطح اعتقادی همسر آینده را به ما نشان دهد، از جمله:

- آیا دین برای انسان نان و آب می‌شود؟
- تأثیرات مثبت دین در زندگی زناشویی چیست؟

هر چه تعداد بیشتری از اهداف و آرزوهای شما به هم نزدیک باشد، به احتمال زیاد روش شما در نحوه برخورد با اتفاقات زندگی شبیه‌تر خواهد بود و در نتیجه اختلاف‌های کم‌تری را تجربه خواهید کرد



لازم برای تشکیل زندگی مشترک وجود دارد یا نه؛ و سوم هم اینکه آیا ملاک‌های شخصی، یعنی نکته‌های شخصی که شما برای همسر آینده خود لازم می‌دانید، در ایشان به چشم می‌خورد یا نه.

بحث خود را در دو بخش بیان می‌کنیم؛ بخش نخست: «از اینها بپرسید»، که به بیان هشت محور در پرسش‌های خواستگاری می‌پردازد و بخش دوم: «این‌گونه بپرسید»، که به بیان سه نکته مهم در حین جلسه خواستگاری اشاره می‌کند.

بخش نخست: از اینها بپرسید:

■ محور اول: از گذشته‌اش بپرسید.

نخستین روزی را که در مدرسه با هم حجره‌ای خود آشنا شدید، به یاد بیاورید. پس از سلام و احوال‌پرسی، اولین کاری که کردید، چه بود؟ آری، پرسیدن اسم و رسم، محل

پرسش از گذشته افراد، می‌تواند در پیش‌بینی شخصیت، موضع‌گیری‌ها و رفتارهای او در آینده به شما کمک کند

او مقایسه کنید تا از میزان همراهی با شریک احتمالی خود در آینده آگاه شوید. هر چه تعداد بیشتری از اهداف و آرزوهای شما به هم نزدیک باشد، به احتمال زیاد روش شما در نحوه برخورد با اتفاقات زندگی شبیه تر خواهد بود و در نتیجه اختلاف‌های کمتری را تجربه خواهید کرد.

■ آرزوی شما در زندگی چیست؟ تا چه حد حاضرید برای رسیدن به این آرزو پافشاری کنید؟
 ■ هدف شما از ازدواج چیست؟ برای رسیدن به این هدف، حاضرید از چه چیزهایی بگذرید؟
 ■ شخصی بود که آرزویی شبیه آرزوی شما داشت، اما نتوانست به آرزویش برسد. شما به او چه می‌گویید؟
 ■ اگر شخصی که هدفش مثل هدف شما بود، پس از مدتی از هدفش دست بردارد، شما به او چه خواهید گفت؟

■ محور پنجم: از کودکش بپرسید.

زندگی طلبه در بُعد معنوی و تربیتی، باید الگویی برای سایر خانواده‌ها باشد. یکی از ابعاد مهم تربیتی، پرورش فرزندان مؤدب و مذهبی است. فرزندان که نمود تربیت اسلامی والدین در آنها به روشنی به چشم می‌آید و دیگران می‌توانند از آن الگوبرداری کنند. از آنجا که برخی طلبه‌ها به سبب سفرهای تبلیغی و یا اشتغالات درسی، شاید در برهه‌هایی از زمان، فرصت کمتری برای بودن در کنار فرزندان داشته باشند، توجه به این محور ضروری به نظر می‌رسد.
 محور پنجم از دو جهت اهمیت دارد: نخست آنکه بیشتر مانسان‌ها، بخشی از خواسته‌های برآورده نشده، در گذشته خود را در زندگی کودک‌کامان جستجو می‌کنیم. بنابراین اگر از کسی بپرسید: «کودک خوب از نظر شما چیست؟» کودکی را تصویر می‌کند که تا حدودی شما را با آرزوها و روحیات شخصی یا ارزشی همسر احتمالی‌تان آشنا می‌کند. جهت دوم اهمیت این است که بدانید آیا در تربیت کودک با مادر یا پدر احتمالی فرزند آینده‌تان نقاط مشترکی دارید یا نه؟ روشن است که تفاهم نداشتن در این بخش، کودکی را با تربیت دوگانه به بار خواهد آورد. شما می‌توانید پرسش‌های زیر را مطرح کنید:

■ فرزندی را با تربیت می‌دانم که ... ؟
 ■ به نظر شما وظیفه پدر و مادر در تربیت کودکان مؤدب و صالح چیست؟
 ■ اگر به شما کودکی بدهند و بخواهند درست تربیت شود، چگونه عمل خواهید کرد.

■ هنگام اختلاف دیدگاه در تربیت کودک، کار درست چیست؟
 ■ چه محیطی را برای تربیت فرزند، مناسب می‌دانید؟ چرا؟ اگر دسترسی به آن محیط ممکن نباشد، باید چگونه عمل کرد؟

■ محور ششم: از پول بپرسید.

اگر بخواهد طلبگی کند، باید یک سری شئون اقتصادی مانند ساده‌زیستی، تحمل سختی‌ها، دوری از بریز و بپاش و ... را به خوبی در زندگی پیاده کند. شما تا تنها هستتید، اجرای این موارد خیلی سخت نیست؛ ولی وقتی با فرزند ازدواج، وارد فضای جدیدی از روابط می‌شود، اجرای درست شئون اقتصادی با چالش‌های فراوانی روبه‌رو خواهد شد و موفقیت در آن به داشتن همراهی هم‌فکر و همدل نیاز خواهد داشت.
 هر چه شما در زمینه‌های خرج کردن پول، پس‌انداز، برخورد با مشکلات مالی، صداقت مالی با همدیگر، نحوه برگزاری مراسم، روش جلوگیری از تجملات و اسراف‌ها، و ... اختلاف نظر بیشتری داشته باشید، شرایط بروز کشمکش‌های خانوادگی بیشتر خواهد بود. شما در این محور باید از دیدگاه‌های همسر آینده‌تان درباره مسائل گوناگون اقتصادی آگاه شوید و آن را با دیدگاه‌های خود مقایسه کنید. برخی از پرسش‌ها در محور اقتصادی عبارتند از:

■ به نظر شما رابطه پول با خوشبختی چیست؟
 ■ خرج‌های لازم و ضروری را برای مراسم عقد و عروسی چه می‌دانید؟
 ■ میزان مناسب مهریه چه اندازه است؟
 ■ در هر ماه چه خرج‌هایی را ضروری می‌دانید؟ هر سه ماه چطور؟ هر شش ماه و هر سال چطور؟ هر چند سال چطور؟
 ■ از دیدگاه شما محل مسکونی مطلوب کجاست؟
 ■ آیا به قناعت و صرفه‌جویی اعتقاد دارید؟ کجاها آری؟ کجاها نه؟ چگونه می‌توان آن دو را اجرایی کرد؟

■ محور هفتم: از روابطش بپرسید.

هر چند با پیمان عقد و عروسی به ظاهر شما با یک نفر ازدواج می‌کنید، اما در حقیقت با این پیوند، خواه‌ناخواه، گستره‌ای از روابط جدید را در زندگی خود تعریف خواهید کرد. بنابراین شاید بتوان گفت که نه تنها باید دختر را پسندید؛ بلکه تا حد امکان، باید خانواده و فامیل دختر را نیز پسندید. از سویی لازم است بدانید که همسر آینده‌تان، با خانواده،

بستگان، فامیل خود و شما، چگونه ارتباطی را می‌پذیرد، رفت و آمد زیاد یا کم، دخالت دادن آنها در زندگی یا زندگی مستقل، ارتباط صمیمانه و نزدیک یا محافظه‌کارانه و دور و ... از سوی دیگر اگر همسر شما اهل کار در بیرون از خانه است، شما نیاز دارید از نوع ارتباطی که می‌خواهد در محیط کاری با همکاران خانم یا آقا داشته باشد آگاه شوید. بخشی از مشکلاتی که پس از زندگی مشترک پیش می‌آید، ریشه در اختلاف دیدگاه زوجین در نوع ارتباط‌های اجتماعی مورد پسند آنها با دیگران دارد. در این بخش می‌توانید از این گونه پرسش‌ها استفاده کنید:

■ دوست دارید همسران تا چه حد با خانواده شما صمیمی باشند؟ و تا چه میزان ارتباط برقرار کند؟
 ■ شما دوست دارید با خانواده او چگونه ارتباط داشته باشید؟
 ■ نظر دادن پدر و مادر من و خودتان در زندگی‌مان را به حساب راهنمایی می‌گذارید یا دخالت؟
 ■ در محل کار و خانواده، با نامحرم چگونه رفتار می‌کنید؟ توقع دارید همسران چگونه رفتار کند؟
 ■ آیا خنده، شوخی و سر به سر گذاشتن با نامحرم را در فامیل و خانواده دوستان می‌پذیرد؟

■ محور هشتم: از خود بپرسید.

برخی از طلبه‌ها به این گمان باطل که معنویت با توجه کردن به این گونه مسائل نمی‌شود، این محور را دست‌کم می‌گیرند. کم نیست انتخاب‌هایی که در آن به اندازه کافی به مسئله ظاهر اهمیت داده نشده و پس از گذشت مدتی، زندگی مشترک رو به سردی رفته است. در این مورد نه باید اهل وسواس بود و نه بی‌اعتنا. همسری را برگزینید که با دیدن او حس زیبایی در شما برانگیخته شود. توجه داشته باشید که صمیمیت جسمی و زناشویی، زمینه‌ساز صمیمیت روانی است. در ازدواج، خوش‌ظاهر بودن همسر، اصل نیست ولی شرط است؛ یعنی نباید تنها معیار انتخاب همسر آینده، ظاهر او باشد و از سویی نیز نباید این بُعد را نادیده گرفت، بلکه باید هر ظاهر همسر آینده‌تان را بپسندید، و هم سایر معیارهای ازدواج را در نظر بگیرید. افزون بر آن، باید ویژگی‌های جسمی همسران مانند قد، چاقی یا لاغری، سفید یا سبزه بودن و ... نیز مورد پسند شما باشند؛ حتی باید به شباهت در مزاج‌ها توجه نمود، برای مثال اگر فرد گرم‌مزاجی بخواهد با همسری سردمزاج ازدواج کند، باید منتظر بروز مشکلاتی در

شما به مجلس خواستگاری رفته‌اید، نه جلسه‌بازجویی یا مباحثه علمی. فضای تهاجم و میجگیری و یا محکوم کردن طرف مقابل تبدیل شود

خیلی اهل رفت و آمد نباشم و بیشتر مایل باشم که اوقات فراغتم را در خانه بمانم، شما چه نظری دارید؟» اگر طرف مقابل، پاسخ مثبت بدهد و چنین برداشت کند که شما اهل رفت و آمد نیستید و بگوید من هم اهل رفت و آمد نیستم، شما توانسته اید به پاسخ مورد نظر خود دست یابید. حال آنکه اگر می پرسیدید که آیا شما اهل رفت و آمدید؟ پاسخ مثبت می شنیدید و طرف مقابل را به درستی نمی شناختید.

■ **خطوط قرمز:** در موارد مورد نیاز، خطوط قرمز مورد نظر خود را مشخص کنید. خطوط قرمز یعنی مسائلی که اگر طرف مقابل به آن بی توجه باشد، موجب ناراحتی و افسردگی شما خواهد شد. با این کار، شما در واقع هم او را با افکار خود آشنا می کنید تا بتواند با آشنایی بیشتری درباره شروع زندگی مشترک با شما تصمیم بگیرد، و هم در فضایی محترمانه با او اتمام حجت می کنید تا راه عذر و بهانه های بی مورد آینده را ببندید.

کلام آخر

طلبه گرامی! پیش از رفتن به خواستگاری، کمی با خود خلوت کنید؛ واقع بینانه به خود و شرایط موجودتان بنگرید. از نظر هشت محور بیان شده، خود را بررسی کنید. این کار شما را یاری می کند که خود را بهتر بشناسید و در نتیجه از توقع های غیرمنطقی درباره طرف مقابلتان دست بردارید. افزون بر مطلب بالا، توجه داشته باشید که در خلوت خود شعار ندهید. اینکه معیارهای صحیح چیست، با اینکه معیارهای شما چیست، متفاوت است. ممکن است شما بر اساس معیارهایی صحیح انتخاب کنید، ولی چون این معیارها در زندگی آینده برایتان درونی نشده و فقط جنبه شعار داشته، دچار مشکل شوید.

برای آگاهی بیشتر در این باره، به منابع زیر مراجعه نمایید:

- گلبرگ زندگی، حسین دهنوی، قم: خادم الرضا، ۱۳۸۸.
- پرسش پیش از ازدواج، مونیکا مندزلیهی، ترجمه فرناز فرود، تهران: صابرین، ۱۳۸۴.
- در جستجوی عشق زندگی، نیل کلارک وارن، ترجمه مهدی قراچه داغی، تهران: اوحی، ۱۳۷۷.
- نجات ازدواج، فیلیپ مک گرو، ترجمه طاهره لبافی، تهران: پیک بهار، ۱۳۸۲.
- آدم سازی در روان شناسی خانواده، ویرجینیا استیر، ترجمه بهروز بیرشک، تهران: رشد، ۱۳۸۴.



پرسیدن پرسش های خواستگاری، به سه نکته توجه کنید.

■ **احترام:** اشتباه نکنید! شما به مجلس خواستگاری رفته اید، نه جلسه بازیابی یا مباحثه علمی. فضای جلسه نباید به فضای تهاجم و مچ گیری و یا محکوم کردن طرف مقابل تبدیل شود. در طول جلسه، حتی هنگامی که فکر می کنید پاسخ صادقانه نمی شنوید، احترام و ادب در گفتگو را فراموش نکنید و اظهار نظر نهایی درباره پاسخ ها را به پس از مجلس خواستگاری موکول کنید.

زمینه ارضای غریزه جنسی باشد. در این محور پرسش هایی از این دست را از خود بپرسید:

- آیا شما این قیافه را برای همسر خودتان می پسندید؟
- آیا تغییر در این چهره را ضروری می دانید؟
- مزاج من و او چیست؟ اگر مزاج ما به هم نخورد، آیا راه حلی وجود دارد؟
- آیا امکان دارد در آینده، یک ویژگی از جسم و ظاهر او مرا آزار دهد؟
- ...

بخش دوم: این گونه بپرسید.

شاید تا به حال زیاد شنیده باشید که در بحث برقراری رابطه، یک زبان گفتار داریم و یک زبان بدن. توجه به این نکته مهم را در جلسه یا جلسه های خواستگاری فراموش نکنید. به همین منظور، زمانی که به مجلس خواستگاری می روید، به حرکات اولیه، رفتارها، و حتی شیوه پاسخ دادن طرف مقابل به پرسش ها دقت کنید؛ این توجه، اطلاعات مفیدی به شما خواهد داد، افزون بر آن هنگام

پیش از رفتن به خواستگاری، کمی با خود خلوت کنید؛ واقع بینانه به خود و شرایط موجودتان بنگرید



محمود
حسینی نژاد مغنی



«از وقتی که سر کلاس احکام، استادمان گفت که از دواج برای کسانی که ترس از افتادن در گناه رو در خود احساس می‌کنند، واجب شرعی است و هر کس که به این حکم عمل نکند مرتکب گناه می‌شود، حسابی به هم ریختم.»

از یک سو عشق به تحصیل و ادامه دادن راه بزرگان و از سوی دیگر از دواج برای فرار از گناه؛ چه کار باید بکنم؟ با دوستانم که صحبت می‌کنم، می‌گویند با از دواج باید با علم و علم آموزی خداحافظی کنی، خودت می‌دونی که (ذبح العلوم...) به همین خاطر به از دواج فکر هم نکن. از طرفی این فکر من رو رها نمی‌کنه آخه درس خوندن به چه قیمتی؟ ما اومدیم حوزه، درس بخونیم که به مردم بگیم گناه نکنند.

اما به خاطر درس خوندن خودمون مرتکب گناه بشیم؟! واقعاً سر دو راهی گیر کردم که درس بخونم یا از دواج کنم؟»

از دواج یا تحصیل، مسئله این است!

همسران نیز بگویید تا او نیز همراه شما بتواند راحت‌تر با مشکلات زندگی در دوران تحصیل کنار بیاید.

۷. برنامه دقیق، منظم و جامعی برای زندگی، کار و تحصیل خود داشته باشید.

۸. مراقب باشید تا تحصیل، شما را از وظایف همسری و وظایفی که در خانواده به عهده شماست، غافل نکند.

۹. تنوع و شادابی و تفریح را در زندگی فراموش نکنید، تا همسر شما تا پایان راه، همراه شما بماند.

۱۰. از همراهی همسران خیلی تشکر و سپاسگزاری کنید. سپاسگزاری از همسر، سبب بالا رفتن روحیه او می‌شود و بالا رفتن روحیه همسر، نقش مهمی در همراهی کردن شما در تحمل مشکلات دارد.

۱۱. همسران را نیز به کسب علم و دانش تشویق کنید و او را در این امر یاری کنید و سکوی پیشرفت یکدیگر باشید. زیرا اگر همسران نیز به تحصیل مشغول باشند، اولاً موقعیت شما را بهتر درک می‌کند، ثانیاً فقط شاهد پیشرفت شما نیست، بلکه با پیشرفت خود، انگیزه قوی‌تری در تحمل سختی‌ها و محرومیت‌ها پیدا خواهد کرد.

۱۲. موقعیت خودتان را برای همسر و فامیل‌ها تان توضیح دهید، تا بیشتر درک کنند و سطح توقعشان را تنظیم کنند.

۱۳. برای ایام تحصیل خود، ذخیره اقتصادی (وام، قناعت، پس‌انداز، فعالیت بیشتر و ...) داشته باشید.

۱۴. از همه مهم‌تر این نکته است که چه پیش از ازدواج، و چه پس از آن، توکل به خدا را فراموش نکنید. خداوند به عنوان مطمئن‌ترین تکیه‌گاه، می‌تواند همراه مطمئنی برای هر لحظه زندگی‌تان باشد.

همسری بگردید که همراه شما باشد، نه مانع شما. همراه بدین معنی که بتواند درک درستی از شرایط شما داشته باشد و توقعات خود را از زندگی آینده، متناسب با شرایط شما تنظیم کند، نه متناسب با ایدئال‌هایی که با شرایط تحصیلی شما همخوانی ندارد.

۲. همسری انتخاب کنید که از لحاظ سطح دانش و انگیزه و علاقه به پیشرفت علمی، کفو و هم‌سطح شما باشد. این مسئله سبب می‌شود که همسران درک درستی از شرایط شما داشته باشد. همسری که از تحصیلات خوبی، متناسب با تحصیلات شما، برخوردار است، می‌تواند راحت‌تر وضعیت شما را درک کرده و با شما کنار بیاید.

۳. همسری انتخاب کنید که در ایجاد و تقویت انگیزه شما در کسب علم و دانش مؤثر و مفید باشد.

۴. خانواده همسر شما دوستدار علم و دانش باشند، تا همسر شما را در تحمل سختی‌ها و مرارت‌های تحصیل یاری کنند، نه اینکه با جمله‌هایی مانند «درس به چه درد می‌خورد؟» و «به دنبال کسب و کار باش!» موانع سر راه شما را افزایش دهند.

۵. پیش از ازدواج با همسران درباره میزان علاقه‌مندی و پایبندی خود به تحصیل و هدف و غایتان صحبت کنید و از او قول همکاری و تحمل سختی‌ها را بگیرید. این مسئله بسیار مهم است که شما پیش از ازدواج، شرایط و اهدافتان را به خوبی برای همسران تبیین کنید تا پس از ازدواج برایتان مشکلی پیش نیاید.

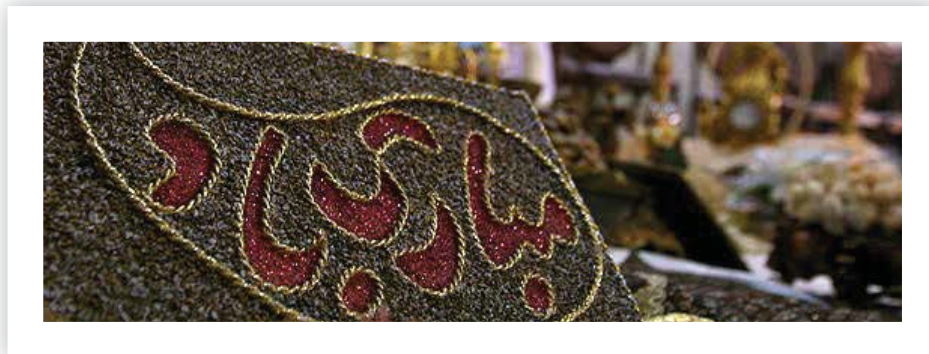
۶. از افق روشن و آینده درخشان خود با خود صحبت کنید تا دلگرم شوید و با امید به آینده، سختی‌های امروز را تحمل کنید. البته وقت زیادی را به این امر اختصاص ندهید، چون احتمال اینکه به آدم خیال‌پرداز تبدیل شوید، زیاد است. شما می‌توانید از این افق روشن برای

ازدواج یا تحصیل یکی از مهم‌ترین پرسش‌هایی است که ذهن بیشتر طلبه‌های جوان را به خود مشغول می‌کند. از یک سو سختی‌ها و فشارهای مجرد، و از سوی دیگر مانع شدن ازدواج از تحصیل و رسیدن به مراتب بالای علمی، این تضاد را در ذهن طلبه‌های جوان ایجاد می‌کند که به راستی کدام یک مقدم است؛ ازدواج یا تحصیل؟

برای رسیدن به پاسخ این پرسش، باید دید آیا در واقع میان ازدواج و کسب علم تضادی هست؟ آیا انسان با ازدواج از مسیر علم و دانش فاصله می‌گیرد و راهی به سوی کسب علم ندارد؟ یا این تصور، تصور اشتباهی است که در ذهن برخی شکل گرفته و با ازدواج، راه دانش‌اندوزی همچنان باز است. پاسخ به این پرسش‌ها هم مثبت است، و هم منفی. تعجب نکنید! ازدواج هم می‌تواند به عنوان عاملی برای بسته شدن راه کسب علم و دانش باشد، و هم می‌تواند به عنوان یک محرک، روند کسب علم و دانش را سرعت بخشد و دستیابی به آن را آسان کند. نوع ازدواج و نقشی که انسان در آن ایفا می‌کند، نقش بسزایی در این مسئله ایفا می‌کند. از این رو برای رسیدن به راه حل دلخواه در مسئله تعارض داشتن یا نداشتن ازدواج با تحصیل، باید به ازدواج و شرایط آن توجه کرد. ازدواج با شرایط مطلوب، نه تنها مانعی برای کسب علم ایجاد نمی‌کند، بلکه می‌تواند سرعت دستیابی به آن را بهبود بخشد. البته اگر ازدواج بر شما واجب نشده، یعنی خود به گناه افتادن ندارید و در فشار قرار نگرفته‌اید و یا سن شما از سن متعارف ازدواج نگذشته، بهتر است اندکی صبر کنید تا از لحاظ علمی به جایی برسید و توان علمی شما بالاتر برود. آنگاه با شرایط مناسب‌تری به این امر مقدس اقدام کنید. در غیر این صورت شما با رعایت چند نکته می‌توانید هم ازدواج کنید، و هم ازدواج به عنوان سدی در برابر کسب علم و دانش شما نباشد. این نکات عبارتند از:

۱. در گزینش همسر دقت کافی داشته باشید. یک همسر همراه می‌تواند بهترین کمک تحصیلی باشد. لذا پیش از ازدواج حتماً به دنبال

ازدواج هم می‌تواند به عنوان عاملی برای بسته شدن راه کسب علم و دانش باشد، و هم می‌تواند به عنوان یک محرک، روند کسب علم و دانش را سرعت بخشد و دستیابی به آن را آسان کند





همه چیز درباره‌ی ازدواج طلبه‌ها

گفت و گو با حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر هادی حسین خانی

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر هادی حسین خانی، متولد سال ۱۳۴۴ در شهر اصفهان هستند. در زمینه‌ی خانواده و ازدواج مشاوره می‌دهند و در حال حاضر معاونت تهذیب حوزه‌های علمیه‌ی سراسر کشور را بر عهده دارند. ایشان مدرس درس‌هایی چون: اصول و فنون مشاوره، آسیب‌شناسی تربیت اخلاقی، زبان تخصصی، و روش‌های تربیت اسلامی بوده‌اند. برخی از آثار پژوهشی ایشان عبارتند از: مبانی فلسفی تعلیم و تربیت، تربیت الگویی زنان در قرآن، هفت روش پیشگیری از انحرافات جنسی و فرایند همسرگزینی. یکی از انگیزه‌های مصاحبه‌ی ما با ایشان، طراحی مقیاس انتخاب همسر از دیدگاه اسلام است که پایان‌نامه‌ی دکترای ایشان محسوب می‌شود. مصاحبه‌ی صمیمی ما با ایشان درباره‌ی مسائل مربوط به ازدواج طلبه‌ها، قابل استفاده است

محمود
حسنی نژادمغنی
تنظیم: زهره عباسی

دچار نوعی تضاد می‌شوند. از سویی از این ترس دارند که با ازدواج از تحصیل عقب بمانند و از سویی می‌ترسند که با ازدواج نکردن به گناه بیفتند پیشنهاد شما به این طلبه‌ها چیست؟
بالأخره یک مقدار به شرایط هر فرد بستگی دارد. به‌طور کلی در ابتدای طلبگی اگر شرایط طوری باشد که فقط در درس تمرکز داشته باشد، طبیعتاً بارش زودتر بسته می‌شود و می‌تواند بهتر مدارج علمی را طی کند. ولی اگر با ترس به گناه افتادن تراحم داشت و شرایطش فراهم بود، ازدواج واجب می‌شود. در عین حال

نیستند، طلبه‌ها باید با چه قشری ازدواج کنند؟
طبیعی است که ویژگی‌هایی که اسلام برای همسر مطلوب، برای همه مطرح کرده است، برای طلبه باید جدی‌تر باشد. مسئله هم‌افق بودن از لحاظ فکری و اعتقادی و اخلاقی، در همسر طلبه خیلی مهم‌تر است و عفت و پاک‌دامنی و بی‌رغبتی به دنیا و افتخار نکردن به جلوه‌های مادی و دنیایی و در واقع دغدغه‌دین داشتن در همسر طلبه باید بیشتر جلوه کند.

بعضی از طلبه‌ها در زمان ازدواج

در عرف می‌گویند که به طلبه زن نمی‌دهند، یا زن خوب نمی‌دهند، به نظر شما درست است؟
اینکه به طلبه زن نمی‌دهند را من نمی‌پذیرم، چون می‌بینیم که الآن طلبه‌ها زن دارند (با خنده‌ای ملیح!)، بله از هر قشری معلوم نیست به طلبه زن بدهد، چون برخی از افراد فضای فکریشان با طلبه فرق می‌کند. اما بسیاری از اقشار هستند که دوست دارند به طلبه زن بدهند.

با توجه به اینکه فرمودید بعضی اقشار مناسبند و بعضی مناسب

به همسرش تحمیل کند و حالا وقتی شرع مشخص کرده، نظر شرع مهم هست. از طرفی باید کاری کنیم که در عین حال که از نظریات خانواده استفاده می‌کنیم «فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ»، حرفشان را می‌شنویم و ممنونشان هم هستیم، ولی این به این معنا نیست که در واقع عملی بشود، ما بر اساس شرایط خاص خودمان و اقتضاهای موجود، عمل می‌کنیم.

پس این بی‌احترامی به آنها نیست که ما گاهی اوقات نظر آنها را بشنویم و در زندگی خودمان اجرا نکنیم؟ چون برخی از طلبه‌ها تصور می‌کنند که هر چه پدر و مادر بگویند، مانند وحی منزل است.

ممکن است موارد، مختلف باشد و نمی‌توان حکم کلی کرد. ولی در مواردی که دخالت در زندگی باشد و بخواهد مسیر زندگی را تغییر دهد، اگر طلبه بخواهد چشم و گوش بسته و به صرف اینکه آنها والدین هستند، گوش بدهد، دچار مشکل می‌شود.

بهتر است که با منطق با آنها صحبت کند و متقاعدشان کند و اگر هم واقعاً حرف آنها حرف درست است، آن را در زندگی خود به کار ببندد.

مسئله دیگر که در بین طلبه‌ها وجود دارد، طیف زن‌سالار و مردسالار است، برخی نسبت به زن آن دیدگاه عاطفی را ندارند و می‌کنند که باید در خانه باشد و به نظر یا تش نیز اهمیت نداد؛ گروه دیگر هم برعکسند، یعنی زن‌های آنها همه کاره‌اند. به نظر شما چه راهکاری بدهیم که آنها دچار افراط و تفریط نشوند و این مرز تا چه حد باید باشد؟

بالاخره این مرز را اهل بیت علیهم‌السلام مشخص کردند و آن گونه که از منابع روایی برمی‌آید، پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بیشترین لطف را به همسرانشان داشتند و حالا مصادیق فراوانی از آن به دست آمده. ولی اگر در محیطی که نباید دخالت صورت بگیرد، دخالت انجام گیرد، باید محکم جلوی آن ایستاد. در سوره تحریم، آنجا که راز حضرت فاش شده، حتی خدا نیز موضع‌گیری می‌کند؛ یعنی این حد و مرز هم روشن است. نظر برخی این است که اگر اندکی به زن میدان بدهی، گستاخ می‌شود، بلکه باید ارتباط صمیمی و دوستانه داشت و آنجا هم که نباید مسئله را پذیرفت، باید محکم ایستاد.

به نظر شما ما چه راهکارهایی را می‌توانیم برای تقویت خانواده و

در نهایت همه چیز را تمام می‌کنند. به نظر شما این استخاره گرفتن خوب است؟ در کجاها باید استخاره گرفت، به ویژه در این امر خطیر؟

در خصوص استخاره، سه دیدگاه وجود دارد: ۱. در هر موردی باید استخاره کرد ۲. هرگز نباید استخاره کرد. ۳. در شرایط عادی اگر بر اساس مشورت و بررسی و فکر توانستیم به نتیجه برسیم، دیگر نیازی به استخاره نیست. ولی اگر به مشکل و دو راهی برخورد کردیم، خوب آنجا استخاره می‌گیریم.

پس استخاره را در جای خاص می‌پذیرید؟

کسانی که مقید به استخاره هستند، باید پیش از اینکه طرف مقابل را به زحمت بیندازند، این کار را انجام بدهند.

بعضی طلبه‌ها دربارهٔ مجلس شدن خود، پیش از ازدواج چیزی نمی‌گویند و سپس دچار مشکل می‌شوند، آیا باید پیش از ازدواج آن را بیان کنند؟

طلبه باید پیش از ازدواج توضیحاتی به همسرش بدهد که بخشی از آن همان مجلس بودن است. باید اهمیت و ضرورت لباس روحانیت را بیان کند و این از سوی فردی باشد که برای مثال از بزرگان درس و دین و اخلاق باشد که مورد تأیید و تأثیرگذار باشد. از طرفی اخلاق و رفتار فرد نیز خیلی مهم است، اگر به لحاظ اخلاقی خوش رفتار باشد، پذیرش برای طرف مقابل راحت‌تر است، همچنین استفاده از ایام تبلیغی برای اینکه طرف مقابل بفهمد که یک طلبه چقدر می‌تواند تأثیرگذار باشد و مردم چقدر استفاده می‌کنند.

سن مناسب برای ازدواج طلبه‌ها چه سنی است؟

سن مشخصی را نمی‌شود بیان کرد، اما شرایط زمان و مکان را نیز باید در نظر گرفت؛ اگر فرد شرایطش را دارد، می‌تواند ازدواج کند. برای مثال فردی ۲۶ سال دارد، ولی هنوز شرایطش مهیا نیست، برخی به تصور اینکه زندگی آرامش‌بخش است، ازدواج می‌کنند، ولی بعد می‌بینیم که با مشکل روبه‌رو می‌شوند؛ چون شرایطش را دارا نبوده‌اند.

با توجه به اینکه برخی طلبه‌ها پس از ازدواج در ارتباط با خانواده طرف مقابل خود دچار مشکل می‌شوند، به نظر شما مرز بین دخالت و مشورت که بین خانواده‌ها روی می‌دهد، چیست؟

بخش عمده برمی‌گردد به حیطة شرع و بیش از آن دیگر ضرورتی ندارد و اینجا طلبه نمی‌تواند

سعی کند که فشار بیشتری به خودش بیاورد و فرصتی را که احیاناً برای همسرش می‌گذارد، از فرصت‌های خودش کم نموده، سعی کند که درس و بحث را جبران کند.

ممکن است این بحث ترس از افتادن به گناه را بیشتر باز کنید؟ آیا خطر افتادن در گناه، به تنهایی شرط هست یا باید به چیزهای دیگری نیز توجه داشته باشد؟

صرف خطر یک بحث است، ولی باید شرایط دیگر از دواج را داشته باشیم و صرفاً خطر افتادن خودم در گناه دلیل نمی‌شود که شخص دیگری را بدبخت کنم.

یکی از زمینه‌هایی که طلبه‌ها به آن حساس هستند، مبحث اصالت خانوادگی است و هر کدام یک تعریفی از این واژه دارند، به نظر شما اصالت خانوادگی چیست؟

از منابع دینی استفاده می‌شود که اصالت یعنی همان گونه که خود فرد به لحاظ دینی و اخلاقی سالم است، خانواده‌اش نیز چنین باشند. یعنی دین‌گریز نباشد و یا مشکلات اخلاقی نداشته باشند و تأثیرگذار است. اصالت به معنای پولداری یا شهرت نیست.

آیا بیشتر کفو بودن منظور است؟ نه! سلامت خانواده! خانواده‌ای که به دستوره‌های دینی پایبند باشند.

شما چه شروطی را برای طلبه پیشنهاد می‌کنید تا از دواجی موفق داشته باشند، به ویژه با توجه به شرایط ویژه‌ای که طلبه‌ها دارند؟

به لحاظ دینی باید باوری قوی داشته باشد و آن فرد باید یک دید مثبت به طلبگی داشته باشد و دقیقاً به فراز و نشیب‌های این زندگی آگاهی داشته باشد، و بالاخره آن فردی که در ناز و نعمت بزرگ شده، یک مقداری برایش مشکل است، به هر حال برای طلبه یک جا ثابت نیست، ممکن است امروز در یک شهر و کشور باشد و فردا در جای دیگری، تعلق نداشتن طرف مقابل و شجاعت و توانمندی او مهم است. در زمانی که طلبه در تبلیغ است، توانایی اداره امور منزل را داشته باشد، و یک مقدار درک روشنی داشته باشد که پایه پای همسرش رشد کند که فاصله زیادی بینشان رخ ندهد که همان برایشان مسئله‌ساز شود.

مسئله دیگری که در بین طلبه‌ها رخ می‌دهد این است که به یک مورد می‌رسند که دارای تمام شرایط است، ولی استخاره می‌گیرند و پد می‌آید و

مسئله هم‌افق بودن از لحاظ فکری و اعتقادی و اخلاقی، در همسر طلبه خیلی مهم‌تر است و عفت و پاکدامنی و بی‌رغبتی به دنیا و افتخار نکردن به جلوه‌های مادی و دنیایی و در واقع دغدغه دین داشتن

تحکیم روابط طلبه‌هایی که از دواج کردند ارائه دهیم، ارتباط آرمانی چیست؟

مهم‌ترین چیز در خصوص این مسئله، این است که نخست فردی که از دواج کرده، با وظیفه خود و همسر داری آشنا باشد. الان خیلی کار کردش روشن است، اما شما در طول زندگی با یک آدم سر و کار دارید که این واقعاً پیش‌بینی کردنی نیست، آن وقت چطوری می‌توانید بدون اینکه اطلاعاتی داشته باشید، در زمینه همسر داری موفق باشید. حالا یک زمانی زندگی‌ها، ساده و ارتباطات اندک بود و خیلی مسئله پیش نمی‌آمد، اما الان با این گستردگی ارتباطات، اگر کسی نداند که چگونه با همسرش تعامل و ارتباط داشته باشد، برایش مشکل پیش می‌آید. از این رو مهم‌ترین کار این است که از منابع مطمئنی استفاده کند که می‌تواند فرد را به نحوه تعامل درست با همسر هدایت کند و بر اساس آن روابط با همسر را درست کند.

آیا در معاونت تهذیب حوزه، در این زمینه تلاش‌هایی شده و به همین منظور دوره‌هایی برگزار شده یا خیر؟ اگر وجود داشته باز خورد آن چه بوده است؟

چند کار در این زمینه شده: اولاً ما برای همسران طلبه دوره‌های معارف اسلامی را داریم که در نقاط گوناگون قم برگزار می‌کنیم و یکی از مباحثی که آنجا مطرح می‌شود، بحث عوامل سازگاری همسران است که توسط استادان خانم مطرح می‌شود که الحمدلله تأثیرگذار بوده است. کار دیگر که صورت گرفته این است که در برنامه اخلاقی خود طلبه‌ها هم موضوع اخلاق در خانواده و در واقع آشنایی با وظایف خانوادگی آماده می‌شود که ان شاء الله منبعش آماده خواهد شد. مسئله سوم، ما یک سلسله نشست‌های تربیتی را تدارک دیده‌ایم که موضوع به موضوع با حضور کارشناسان این نشست‌ها در آن موضوع مطرح شده، طلبه‌ها و خانواده‌هایشان از آن استفاده می‌کنند. چهارم برنامه پیوند آسمانی برای طلبه‌هایی است که تازه از دواج کرده و بیشترین نیاز را به راهنمایی دارند. در کارگاه دوره‌های رایج‌ترین موضوعات به طلبه‌های جوان و همسرانشان ارائه می‌شود.

یک مسئله دیگر که در بین شرایط دواج در بین طلبه‌ها وجود دارد، از دواج فامیلی است. آیا شما در می‌کنید یا نه؟ خب از یک سو تمایل دارند، چون شناخته شده است، اما از سویی دیگر، این پیشرفت علم و بحث ژنتیک و زن‌های غالب و مغلوب، طلبه‌ها را می‌ترساند، نظر شما در این زمینه چیست؟

به نظر ما باید اندکی فراتر از این پاسخ بدهیم، بخشی از این حرف‌ها اکنون در ذهن افراد هست و یک معیارهایی را در ذهن دارند، مثل اینکه دختر عمو باشد یا نباشد، یا اینکه سید باشد یا نباشد، یا مثلاً بعضی تأکید دارند که دختر روحانی باشد یا نباشد، خودش طلبه باشد یا نباشد و به همین ترتیب اهل فلان شهر باشد، به نظر این جور سؤال‌ها یک سری پرسش‌های انحرافی است و ملاک‌های اصلی و اولویت را فراموش می‌کنیم و برای مثال می‌گوییم سید باشد یا از نظر ظاهری فلان تیب باشد یا مثلاً از اقوام باشد یا نباشد. آنچه را که اسلام تأکید دارد، روی دین و اخلاق و سلامت روانی فرد و خانواده و پسندیدن ظاهری اصل می‌شود و بقیه موارد هم از پر تو این اصل بالاخره قابل بررسی است. یعنی اگر حالا مثلاً همه چیز را دارد و ما احراز کردیم و آزمایش ژنتیک انجام دادیم و مشکلی نداشت چه اشکالی دارد، حتماً باید دختر عمو و پسر عمو باشند یا نباشند و ... اینها دیگر امور اصل نیست و بعضی وقت‌ها آدم به اینها گیر می‌دهد و از امور اصلی بازمی‌ماند.

استاد با توجه به اینکه طلبه‌های خواهر هم مخاطب هستند و با توجه به آن ایدئال‌هایی که دارند، ممکن است خیلی از خواستگاران را که در سن مناسب برایشان می‌آید، رد کنند و در موارد نه چندان کمی، سن از دواجشان بگذرد، چه توصیه‌ای برای طلبه‌های خواهر جوانی دارید که در سن ازدواج هستند؟

در خصوص ازدواج خانم‌ها شرایط ممکن است یک مقدار آسان‌تر باشد، آقایان هم به لحاظ درسی و هم بلوغ اقتصادی و هم مسئولیت‌پذیری آنها بیشتر طول می‌کشد، ضمن اینکه بلوغ آقایان دیرتر از خانم‌هاست، چه بسا یک خانم هجده ساله خیلی ساده‌تر می‌تواند شرایط ازدواج را داشته باشد، اما این آمادگی در آقایان حتی تا ۲۳ و ۲۴ سالگی هم ادامه پیدا کند. بنابراین توصیه‌ام این است که مسئله ازدواج را جدی بگیرند و به هیچ وجه شغل و درس را اولویت قرار ندهند.

نکته دیگر اینکه به نظر می‌آید و یک اشتباهی هم که دخترها می‌کنند این است که فردی که به خواستگاری می‌آید و طراوت و جوانی را دارند، خیلی راحت با موارد برخورد می‌کنند. این «نه» گفتن، تصور این است آن گونه که از آموزه‌های دینی برمی‌آید، پاسخ دادن به خواستگار، فقط یک حق برای دختر نیست که به راحتی «نه» بگوید، یک تکلیفی هم برایش ایجاد می‌کند. تا وقتی که کسی نیامده، هیچ تکلیفی ندارد. ولی به مجرد اینکه یک پیشنهادی مطرح شد، من برای پاسخ مثبت دادن به همان میزانی مسئولیت دارم که برای دادن پاسخ منفی نیز

مسئول هستم. یعنی بدان که به چه دلیلی رد می‌کنی! در روایت داریم که اگر دین و اخلاقش را پسندیدید و دختر ندادید، فتنه و فساد بزرگی در زمین ایجاد می‌شود، ولی اگر واقعاً به این نتیجه رسیدی که معیارها را ندارد، رد کن.

درباره تعداد فرزندان طلبه‌ها، آیا می‌شود تعداد معین کرد؟

بستگی به شرایط دارد، شخصی یک فرزند دارد، ولی نمی‌تواند او را خوب تربیت کند، یا اهل تربیت کردن نیست و مشکلات دیگری هم دارد، و از سویی فرد دیگری را نیز می‌بینی که پنج فرزند را هم به خوبی تربیت می‌کند.

برخی طلبه‌ها در زندگی دچار مشکل می‌شوند. به نظر شما این مراکز مشاوره که در حوزه هست، یا این مشاوره‌ای که در مدارس هستند، آیا می‌توانند کمک کنند؟

به طور قطع می‌توانند. اما متأسفانه این مشکل هست که برخی فکر می‌کنند که همین که طلبه شد دیگر همه چیز را می‌داند. در صورتی که بسیاری از چیزها را نمی‌داند، حالا مثلاً یک روایتی از یک جایی شنیده، ولی بسیاری از روایت‌های دیگر که آنها را توضیح می‌دهد، به گوشش نخورده و ممکن است بر اساس همان یک روایت، یک اشتباهی را مرتکب شود و زندگی را خراب کند. چگونه است که ما وقتی قفل در خانه خراب می‌شود، خودمان به آن ور نمی‌رویم و پیش قفل‌ساز می‌بریم؛ یا وقتی مریض می‌شویم، به پزشک مراجعه می‌کنیم، اما در مسئله بسیار مهم و سرنوشت‌ساز مثل تعامل با همسر، به اجتهاد خودمان عمل می‌کنیم، بدون اینکه هیچ آگاهی داشته باشیم.

استاد در پایان اگر نکته‌ای باقی مانده که به نظر شما برای طلبه‌های جوان مناسب است، بفرمایید؟

به نظر من ما یک وظیفه‌ای در مجموعه تهذیب داریم که آن گونه که باید نتوانستیم به آن وظیفه عمل کنیم. ولی این نیز یک فشار از سوی طلبه‌های جوان می‌خواهد که باید یک مراکزی برای معرفی افراد مناسب و به طور مشخص مشاوره از دواج مشخص شود. برای مثال، ارتباط خواهرهای طلبه با آنجا قطع است و از سویی دیگر با توجه به درس‌هایی که آنجا خوانده، شاید دیگر افراد انجام‌ناقص این فرد نباشند. از این رو باید در جستجوی کسی باشند که سطح تحصیلات و دغدغه زندگی‌اش مانند آنها باشد. اما این کانال نباید یک کانال مبتدل باشد که بدون اطلاعات، امر را بالا ببرد، باید یک کانال مطمئن و دقیقی باشد و کارشناسی بکند و ببیند که تا چه حد برقرار است و بتواند بر اساس بررسی عملی معرفی کند.

سن مشخصی را نمی‌شود بیان کرد، اما شرایط زمان و مکان را نیز باید در نظر گرفت؛ اگر فرد شرایطش را دارد، می‌تواند ازدواج کند